عالمی مبارز از بزرگان خراسان

ادامه از صفحه اول

آیت‌الله مروارید، علاوه بر تحصیل در مدارج عالی علوم اسلامی، با بهره‌مندی از روحیه آزادمنشی و آزادی‌خواهی خود، با دستگاه جبار پهلوی به مبارزه برخاست. او که در درس‌های اخلاق آیت‌الله‌العظمی خمینی نیز شرکت می‌کرد، با این استاد خود، در ارتباط نزدیک قرار گرفت؛ چراکه پیش از شروع نهضت اسلامی، با سخنرانی‌های آتشین خود، دربار پهلوی را به چالش می‌کشید و همین امر برای آیت‌الله خمینی، خوشایند بود و او را مستعد موفقیت‌های بزرگ می‌دید، فعالیت مبارزاتی و تبلیغاتی آیت‌الله علی‌اصغر مروارید علیه ستم حاکم، از سال ۱۳۳۷ آغاز شده بود؛ به‌همین‌دلیل مورد توجه رهبری نهضت قرار گرفت و همیشه و همه جا مورد احترام استاد خود بود. مرحوم اسماعیل فردوسی‌پور نقل کرده که: «در سال ۱۳۳۹، حدود ۴۰ نفر از فضلای مشهد همراه استاد خودشان علامه شیخ مجتبی قزوینی برای دیدار با آیت‌الله خمینی، عازم قم شدند. در قم پس از زیارت حضرت معصومه (س)، به دیدار آیت‌الله رفتند. در منزل ایشان، پس از احوالپرسی معمولی، ذکر مصیبت شد. پیش از اینکه میهمانان منزل امام خمینی را ترک کنند، امام از آقای علی‌اصغر مروارید خواست که از حضار تشکر کند». (نقل مضمون از پایگاه اطلاع‌رسانی الهی‌خراسانی) این خاطره گویای این واقعیت است که اولا مرحوم مروارید به امام خمینی خیلی نزدیک بوده و ثانیا می‌دانسته که وی با بیان خوبی که دارد، از عهده صحبت‌کردن در حضور علامه قزوینی برمی‌آید. با آغاز نهضت امام خمینی، از اولین کسانی که در راه اهداف نهضت پا به میدان گذاشت، علی‌اصغر مروارید بود. وی با سخنرانی‌های قوی و خطابه‌های آتشین، به هر مناسبتی از نهضت و رهبری آن دفاع می‌کرد. بعضی از سخنرانی‌های ایشان به دستور امام بود و بنابراین عده‌ای او را سخنگوی آیت‌الله خمینی می‌دانستند. فعالیت‌های گسترده این عالم دینی باعث شد که در ۱۵ سال مبارزات اسلامی، بارها به وسیله ساواک دستگیر و روانه زندان شود. مدتی نیز در شهرهای بدآب‌وهوا، به صورت تبعید به‌سر برد. از خاطرات اطرافیان و نزدیکان مرحوم مروارید چنین برمی‌آید که هنگام ضرورت، خود را شجاعانه به صحنه می‌آورد و وظیفه خود را به‌خوبی دنبال می‌کرد. گویند در آغازین سال‌های مبارزه، پیش از یکی از سخنرانی‌های مهم امام خمینی، تعداد زیادی از مأموران رژیم پهلوی، با صلوات‌های مکرر، نمی‌خواستند امام سخنرانی کند. چند نفر از وعاظ به‌ترتیب برای جمع حاضر سخنرانی کردند که فضا را آرام کنند، اما هیچ‌کدام نتوانستند تا اینکه علی‌اصغر مروارید به منبر رفت و با چنددقیقه سخنرانی چنان سکوتی را بر مجلس حکمفرما کرد که امام توانست به‌خوبی به ایراد سخن بپردازد. قدرت سخن‌گفتن مرحوم مروارید در آن‌موقع، زبانزد همگان بود. برادرزاده و داماد آیت‌الله مروارید، آقای محمدکاظم مروارید، نقل می‌کرد: زمانی که امام خمینی در فرانسه بود، آقای مروارید با خانواده به دیدار امام در نوفل‌لوشاتو رفت. پس از آن رهبر انقلاب قصد آمدن به ایران کرد، عده‌ای از دانشجویان ایرانی و دیگر کسانی که در نوفل‌لوشاتو مانده بودند، ضرورت داشت کسی به امورشان رسیدگی کند. امام خمینی پیش از پرواز، آقای مروارید را مأمور کرد که در نوفل‌لوشاتو بماند و به امور حضار رسیدگی کند و پس از رفتن همه میهمانان به خانه و کاشانه خود، به ایران بازگردد. ایشان نیز حدود دو ماه در فرانسه ماند و پس از اینکه دیگران رفتند، به ایران بازگشت.

آیت‌الله مروارید، پس از ورود به ایران، مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی در غرب تهران را برعهده گرفت. از آنجا که ایشان قبل از پیروزی انقلاب چندسالی امام‌جماعت مسجد حضرت مهدی (عج) در تهران‌ویلا بود، با مسائل غرب تهران در آن زمان آشنا بود. بعد از مدتی در محله شهرآرا، مؤسسه‌ای پژوهشی را در یک ساختمان مصادره‌ای تأسیس کرد و در آن محل با همکاری اندیشمندانی دیگر به تحقیق پرداخت. این مؤسسه که «بنیاد فرهنگ انقلاب اسلامی» نام داشت، چندین سال متوالی به فعالیت ادامه داد، نتوانست بنیاد مذکور را برای همیشه در اختیار داشته باشد.

عکس: سایت مدرسه علمیه سعادت

آیت‌الله شیخ علی‌اصغر مروارید، پس از چندین دهه تلاش علمی و مبارزاتی و با همراه‌داشتن آثاری از رنج زندان‌ها و شکنجه‌ها و نامهربانی‌های فراوان، در روز ۱۴ مرداد جاری، در ۹۴ سالگی، پس از یک بیماری طولانی، به دیار باقی شتافت. مراسم تشییع‌جنازه آن مرحوم در حسینیه جماران و با حضور دوستان سابق و علاقه‌مندان وی، از جمله: سیدحسن و سیدعلی خمینی، شیخ‌حسن صانعی، عبدالله نوری، رئیس دولت اصلاحات، سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور، امام جمارائی، سیدسراج موسوی، دکتر محمد مقدم، آیت‌الله رحمت، قدرت‌الله علیخانی، علی یونسی، محمدعلی و حمید انصاری، غلامحسین کرباسچی، مرتضی الویری، حسین کنعانی‌مقدم و جمعی از مؤمنین و مؤمنات، برگزار شد. مرحوم مروارید، پس از آنکه حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسن خمینی بر پیکر وی نماز گزارد، در جوار حرم عبدالعظیم حسنی، آرام گرفت. در پی درگذشت آیت‌الله مروارید، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب و سایر مقامات سیاسی کشور، مانند دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور، دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، سیدحسن خمینی، محسن هاشمی، فرزند آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، احمد منتظری از طرف بیت آیت‌الله منتظری و... پیام‌های تسلیتی صادر کردند. رئیس‌جمهور در بخشی از پیام تسلیت خود آورده است: «این عالم مجاهد در مقاطع سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی با تحمل سختی‌های فراوان، همواره حضوری آگاهانه و نقش‌آفرین داشت و برای تثبیت نظام و ترویج آرمان‌های اسلامی از هیچ کوششی دریغ نکرد و کارنامه پرافتخاری از خود برجا گذاشت». متأسفانه، آن‌گونه که در شأن و مقام علمی و مجاهدات آن مرحوم باشد، مراسم مناسبی در مراکز حوزوی برگزار نشد، اما به‌جز در تهران، در شهر ایلام برای بزرگداشت یاد او، با حضور مقامات محلی و نماینده ولی‌فقیه مراسمی برگزار شد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدتقی لطفی، نماینده ولی‌فقیه، در این مراسم اظهار کرد: «آیت‌الله مروارید شجاعت و خودباوری را از امام فراگرفته بود و در راه نهضت امام خمینی زندان‌ها رفت و شکنجه‌ها دید تا شمع انقلاب را روشن نگاه دارد. آیت‌الله مروارید کسی بود که در سال ۴۲ منبر رفت و پس از سخنرانی امام در مدرسه فیضیه ایشان سخنرانی امام را به اتمام رساند. این مرد بزرگ در ۱۵ سال تبعید امام، در زندان یا تبعید گذراند. تاریخ انقلاب اسلامی، هیچ‌گاه اخطارهای آیت‌الله مروارید در میدان آزادی تهران در سال ۱۳۵۷ را که برای بازگشایی فرودگاه به دولت بختیار داد فراموش نکرده است». (سایت خبرآنلاین) از مرحوم آیت‌الله مروارید، علاوه بر شاگردان دانشمند و نامی نیک و پرافتخار در تاریخ معاصر ایران، آثار پژوهشی فاخری به یادگار مانده است. این آثار علمی ارزشمند عبارت‌اند از: ۱ - یک دوره ۴۰ جلدی فقه اهل تشیع به نام «سلسلة الینابیع الفقیه». ۲ - یک دوره ۴۰ جلدی فقه اهل سنت به نام «المصادیر الفقیه». هر دو دوره فقهی مذکور را با کتاب المفتاح الکرامه تجمیع و به شکل لبواب مختلف فقهی چاپ کردند که یک دوره ۱۱۰ جلدی فقه شیعه و سنی است. با امید به اینکه بزرگان انقلاب اسلامی در زمان حیاتشان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند، به روان پاک این عالم مجاهد درود می‌فرستیم.

ادامه از صفحه ۹

ادای دِینی به تاریخ هنر، از دریچه شاعرانگی

آن چیزی که ما را راضی می‌کند و قانع می‌کند، حتی فراتر از آن و تا جایی که امکانات و توانایی‌اش را داشته باشیم، باید برویم. مثال می‌زنم، مثلا ممکن است زمان دوساعت‌و ۱۰ دقیقه تئاتر چیزی باشد که برای بخشی از مخاطب، الان و در شرایط فعلی تئاتر، ایده‌آل نباشد، به دلیل هزاران اتفاق دیگری که در طول روز در جامعه ما می‌افتد که خیلی هم سرعت دارد. گفتیم کار ما دوساعت‌و ۱۰ دقیقه است و ما نمی‌توانیم کار را یک ساعت و ربع یا یک ساعت و نیم بکنیم؛ نمی‌شود و اگر بکنیم، یک چیزی از خودمان کم کردیم، در صورتی که یک تئاتری ممکن بود بیاید و این ریسک را با خودش بکند. دومین بخش، لحظاتی است که تئاتر، سخت ساخته می‌شود و باید سخت فهمیده شود. اینها را می‌شود ساده کرد، می‌شود آشکارش کرد، ولی احتمالا همان لحظه‌ای که این تبادل اتفاق می‌افتد، چیزی از دست می‌رود، آن چیز همان لحظه‌ای است که وقتی رضا گوران می‌آید تئاتر را می‌بیند، با آن برخورد می‌کند که وقتی آن را از او بگیری؛ کار برایش ناتمام می‌ماند. البته، برخی مخاطبان هستند که ممکن است با روش ساده‌ترکردن، کامل‌تر از اثر آگاهی پیدا کنند، ولی این‌گونه لذت کشف و برخورد با یک ناب‌بودن را از آنها گرفته‌ای.

◄ این نکته‌ای است که من فکر می‌کنم باید راجع به آن صحبت کنم؛ به نظرم کار تو نوعی ادای دِین به هنر است. یعنی من وقتی می‌روم و کار تو را می‌بینم، احساس می‌کنم برای من عین یک تاریخ هنر می‌ماند. منظورم این است که احساس می‌کنی با اثری روبه‌رو هستی که اتمسفرش سرشار از هنر است و من لذت می‌برم از این کشف، زیرا می‌گویم ما اثری را می‌بینیم که اندکی با خودش درگیرمان می‌کند. ما متأسفانه در تئاترمان مخاطبی را تربیت کردیم و مخصوصا در این دوره اخیر که مخاطب تنبلی است که می‌گوید من می‌نشینم روی کاناپه و اثر باید به سمت من حرکت کند. به نظر من این شیوه کارکردن حتی به خود آن مخاطب هم کمک نمی‌کند، چون بعد از مدتی آن مخاطب را دلزده می‌کند؛ مثل اتفاقی که برای سینمای ما در دوره‌ای افتاد. من خیلی‌ها را می‌بینم که به من می‌گویند چرا تئاترها این روزها این‌گونه است یا اینکه ما کدام تئاتر را باید برویم و ببینیم؟ ما دلمان نمی‌خواهد فلان کار را ببینیم که وقتی می‌آییم بیرون، احساس می‌کنیم این تئاتر را می‌دیدیم یا نمی‌دیدیم، هیچ فرقی برایمان نمی‌کرد. یعنی طرف رشد خودش را، رشد فردی‌اش را، در گروی دیدن تئاتر در یک دوره‌ای دانسته و حالا آن دوره را از او گرفته‌اند، به جایش می‌گویند تو اصلا لازم نیست فکر کنی و لازم هم نیست رشد کنی، همین جا بنشین و حالش را ببر. و اصولا حال چی را باید ببریم؟ من الان خودم می‌خواهم بروم کاری را ببینم، دوست ندارم فقط بروم و بیایم بیرون و هیچ اثری روی من نداشته باشد، من دوست دارم کاری را ببینم و لذت ببرم.

و سخت است اینکه رضا گوران یا اصغر دشتی یا آدم‌هایی که تئاتر را دقیق دیده‌اند، تئاتر کار می‌کنند، راضی‌کرد. یعنی اصلا کار آسانی نیست.

◄ تو کار سختی کردی، نه به دلیل اینکه رضا گوران را راضی کرده‌ای! نه! به این دلیل که تو به سلیقه حداقل من یکی احترام گذاشتی و اجازه دادی من فکر کنم به اینکه کار تو چی می‌تواند داشته باشد و چی ندارد. یعنی این خیلی مهم است. واقعیتش، بخشی از نسل ما همیشه تلاش کردیم به مخاطب این احترام را بگذاریم و من از این منظر خیلی خوشحالم که نسل شما، مساوات و جابر رمضانی، مجتبی کریمی و یوسف باپیری و...، همه‌شان سعی می‌کنند این احترام را به مخاطب بگذارند. باشکوه‌ترین قسمت کار شما این است که وقتی ما آن را می‌بینیم، احساس می‌کنیم آن موقعی که شروع کردیم، راه را اشتباه نرفتیم. چون احساس تنهایی در خلق، یکی از مرگ‌بارترین احساسات است. مثل یک انفرادی‌ای می‌ماند که خودت هم کلیدش را عمدا گم کرده‌ای که در آن بمانی و حالا تو با اثرت می‌آیی و به من می‌گویی که من در این تنهایی‌ات شریکم. به‌خصوص در کارگردانی، انتقال چنین فضایی به مخاطب، بدون رابطه علت و معلولی، (چون تو به شدت از قصه و رابطه علت و معلولی فرار کردی) کار سختی است؛ اما نه به این معنا که تو اثرت را فرامتنی اجرا می‌کنی یا در فضایی تجریدی دست و پا می‌زنی؛ الزاما این نیست. این مرز معلق را حفظ کردن در اثر تو، برای من یک از ویژگی‌های مهم است.

می‌خواهم مثالی بزنم. ما با متن روز اول که برخورد کردیم، نمی‌دانستیم قرار است چه شود، چه در حوزه دراماتورژی یا در تمرین‌ها. مثلا شاید، یک ماه و نیم گذشت، دیدیم اتفاقی که منتظرش هستیم در تمریناتمان نمی‌افتد. من آمدم سر تمرین و گفتم بچه‌ها به نظر شما کاری که الان ما یک بخش‌هایی‌اش را ساخته‌ایم و قرار است در ادامه هم ببریم جلو، شبیه یک شعر نیست؟ بعد شروع کردم راجع به خود متن و ویژگی‌هایی که درام‌نویس در متن گذاشته، حتی در روساخت، این متن پر از شعر و ادبیات است. بعد گفتم وقتی ما با شعر برخورد می‌کنیم، چگونه برخورد می‌کنیم. بعد آمدم راجع به نمایش‌های ساختارگریز صحبت کردم. به بچه‌ها گفتم وقتی با یک شعر نو برخورد می‌کنید، چگونه با آن روبه‌رو می‌شوید؟ بعد آمدم شروع کردم شعرخواندن، یعنی ما رفتیم ۱۵ تا کتاب شعر خریدیم، تقسیم کردیم بین بچه‌ها و شروع کردیم به خواندن و همان‌ها الان در کارمان هم هست. اصلا ما یک کلاس درس در نمایشمان ایجاد کردیم، به اسم کلاس شعر و شاعری. قصه از اینجا شروع شد که مشغول مطالعه کتاب «شعر مدرن» مراد فرهادپور بودم که سر تمرین آمدم و به بچه‌ها گفتم ما وقتی که با شعر مدرن برخورد می‌کنیم، چه طور با آن مواجه می‌شویم؟ شعر مدرن احتمالا شش یا هفت تا بند است که در خودش سه، چهار تا یا یکی تصویر دارد که این تصاویر مثل نقاش‌های امپرسیونیستی روی هم تأثیر می‌گذارد، ولی تأثیر علت و معلولی نیست. گفتم فکر کنید این تئاتر ما قرار است تبدیل به این پاره‌ها شود، یعنی شما یک پاره‌ای می‌بینی، یک پاره‌ای می‌بینی، یک پاره‌ای می‌بینی و در کلیت مثل نقاشی امپرسیونیستی تو می‌روی و از نزدیک می‌بینی، می‌بینی تاش است. می‌روی از فاصله ۱۰ متری می‌بینی و می‌گویی آهان این یک جهانی است که تصویر شده. از امکانات خود شعر حرف زدیم و بررسی کردیم که چگونه این مناسبات شعری می‌تواند روی صحنه تبدیل به یک تئاتر شود. من دوست دارم وقتی این تئاتر نگاه می‌شود، مخاطب با خودش بگوید شعری مجسم یا تجسم‌یافته تماشا کرده است.

عکس: مهرداد متجلی

◄ اگر بخواهیم کمی درباره اتمسفر صحبت کنیم، من می‌توانم بگویم کار تو مثل هایکوی سخت است، هایکویی که الزاما هر کسی نمی‌تواند بخواند و با آن ارتباط برقرار کند، ولی عده‌ای هستند که می‌توانند آن را بخوانند و با آن ارتباط برقرار کنند و به نظر من عده‌ای می‌توانند بخوانند، ارتباط برقرار نکنند، ولی کنجکاوی کنند که بروند ارتباط برقرار کنند. طبیعتا نباید توقع داشته باشیم هر مخاطبی که به سالن می‌آید، با اثر تو ارتباط برقرار کند. البته، اینکه ارتباط برقرار نمی‌کند، معنی‌اش کج‌فهمی نیست یا این کسی هم که ارتباط برقرار می‌کند، معنی‌اش فرهیختگی نیست. گاهی می‌تواند تعریف سومی را بدهد. من معتقدم تئاتر ما این روزها به آثاری احتیاج دارد که در واقع بتواند مخاطب سومی را به وجود بیاورد. یک موقع، ما مخاطبانی داریم که می‌روند تئاترهای خاصی را می‌بینند و دوست دارند ببینند و رشد خودشان را مربوط به آنها می‌دانند. برخی مخاطبانی هم داریم که می‌روند هر تئاتری را می‌بینند که کیف کنند، لذت ببرند و مخاطب سومی داریم که می‌خواهد تغییر زاویه بدهد. به نظر من، برای این تغییر زاویه، ما به چنین آثاری نیاز داریم. اما می‌خواهم این را بگویم که مجید آقاکریمی بازیگری است که در اتمسفر بازی می‌کند، یعنی فضاسازی می‌کند. مثلا اتفاق دیگری که در طراحی صحنه افتاده، شاید آن نقاشی‌های محوی است که دیوار بر آنها غلبه کرده بود، مثل اتفاقی که در اثر می‌افتد، یعنی اثر تو می‌گوید آن دیالکتیکی که بین آدم‌ها است هم، دچار این محوی می‌شود یا اتفاقات و ارتباطات انسانی که بین این آدم‌ها می‌افتد، می‌رود زیر پوشش مانیفست‌هایی که آدم‌ها به آنها وابسته‌اند یا راحت‌تر بگویم آدم‌ها به آنها آویزان هستند. می‌خواهم بگویم در طراحی صحنه تو این اتفاق افتاده، ولی من فکر می‌کردم شاید آن دیوارنگاری‌هایی که اتفاق افتاده، حتی می‌توانست به سمت تجرید بیشتری حرکت کند.

شاید باور نکنید، ما اولین کاری که کردیم، آمدیم در نقاشی‌ها و قرار شد نقاشی‌های محصص را با همین ایده کار کنیم. انگار نسبتی هم بین محصص و این تئاتر می‌شد برقرار کرد. تابلوی جالبی هم دارد به اسم مینوتور و پسرها. مثلا یک مینوتوری است که چند پسر دارند می‌پرند و از یک سمتش فرار می‌کنند. بعد رفتیم به سمت نقاش‌هایی که کارهای گرافیکی خیلی مهمی کرده‌اند. یکباره با محمد مساوات رسیدیم به اینکه باید نقاشی‌ای انتخاب کنیم که به خود ذات تاریخ، یعنی هر چیزی که در تاریخ تجسم پیدا می‌کند، اشاره دارد و نهایتا به نقاشی «مسیح و حواریون» رسیدیم.

◄ به نظر من، تو در این کار استایل کاری‌ات را خیلی ارتقا دادی. به خودت دو، سه تا درجه در «پسران تاریخ» داده‌ای. مثلا من وقتی «این زندگی مال کیه؟» تو را می‌بینم و «بچه‌های پشت خط نبرد» تو را می‌بینم یا «پرده سوم صحنه چهارم» را، به نظرم می‌آید که در کارنامه کاری اشکان شکافی ایجاد می‌شود و بعد وقتی که می‌آیی این کار را روی صحنه می‌بری، من می‌گویم اشکان شاید برای مدتی پیدا کرده که چه کار می‌خواهد بکند و حالا این را شاید ادامه دهد و بعدا در همین هم شکاف ایجاد کند. برای همین است که می‌گویم «پسران تاریخ» بهترین و دقیق‌ترین کار تو است و با همه بحث‌هایی که می‌شود راجع به آن داشت که اگر من هم کار کنم بحث می‌شود، اما به نظر من کامل‌ترین کار تو است و تو در واقع اول از همه باجی به خودت نداده‌ای و نقص‌های کارت را پذیرفته‌ای.

ادامه از صفحه ۱۰

برنامه‌ریزی تشریفاتی برنامه‌ریزی واقعی

این نوشته نمی‌گوید ایران تولید خود را به دلایلی که ذکر شد، یکباره متوقف کند؛ اما عاجزانه پیشنهاد می‌کند یک برنامه بلندمدت برای جایگزینی آن، اندیشه شود. آنها که برای فروش مدل‌های کهنه‌شده خود برای کشورهایی مانند ایران «انگیزه» ایجاد می‌کنند، در فروش تکنولوژی‌های هسته‌ای و پیشرفته، نه‌تنها پیشگام نمی‌شوند، بلکه به‌شدت از انحصار خود حمایت می‌کنند. حبس میلیون‌ها سرمایه کوچک خانواده‌ها و جوانان در مالکیت خودرو شخصی نیز امکان مشارکت مردم در تولید و رشد صنعتی را به‌شدت کاهش می‌دهد؛ اما تبلیغات مؤسسات اقتصادی عمدتا در راستای تشویق مردم به داشتن خودروی شخصی است. امروز دانشجویان دانشگاه‌ها هم از نداشتن خودروی شخصی احساس شرمندگی می‌کنند. بنرهای تبلیغاتی در مسیر خیابان‌ها و بزرگراه‌ها که خودرو جایزه می‌دهند نیز به تشویق مالکیت خودرو می‌افزاید.

د- لزوم توجه به رابطه استخراج نفت و گاز و تبعات آن بر آب و زلزله‌خیزی

بیشتر نفت و گاز در جهان در منطقه خاورمیانه و روسیه استخراج می‌شود. دانشمندان و صاحب‌نظران دراین‌باره نظرات زیادی بیان کرده‌اند؛ اما به نکته‌ای که غربی‌ها از آن بیشتر از ما آگاهند - اما زبان خود را به کلی بسته‌اند - هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند. برای اینکه اهمیت این موضوع برای خواننده محترم روشن شود و بیان آن موکول به بررسی‌های درازمدت آزمایشگاهی نشود، چکیده آن به کوتاه‌ترین صورت در اینجا بیان می‌شود: هر ۳۰ میلیون بشکه نفتی که روزانه از جنوب تا شمال ایران (از عربستان تا روسیه) استخراج می‌شود، روی هم رفته، فضایی به حجم پنج میلیون مترمکعب هر روز از زیر پوسته زمین خالی می‌شود. حجم خالی‌شده در هر سال، به یک‌میلیاردو ۸۰۰ میلیون مترمکعب می‌رسد. برای مقایسه، شهری را در نظر بگیرید که می‌شناسید؛ حساب کنید فضایی معادل چنین شهری تا چه ارتفاع از سطح زمین در زیر زمین خالی می‌شود. این فضا بیشتر با آب‌های سطح زمین و کمتر با گاز پر می‌شود که آن‌هم از زمین خارج می‌شود. آبی که از سطح زمین به عمق چندکیلومتری تزریق می‌شود، در سطوح مغاره‌هایی که تخلیه شده، تأثیر شیمیایی می‌گذارد. به‌عنوان مثال، اگر سطح مغاره آهکی باشد، با ورود آب، آهک در آب حل شده و به راه می‌افتد و موجب ریزش سطح مغاره می‌شود. تفاوتی ندارد که این غارها توخالی بوده یا اسفنجی باشند. اگر بدنه اطراف از مثلا جنس خاک رس باشد، باز با ورود آب مرطوب شده و به صورت گل به راه می‌افتد. فعل و انفعالات در زیر زمین موجب ریزش درون زمین می‌شود که تأثیر آن به صورت لرزش یا زلزله نمایان می‌شود. چنین حالتی در شهر اوکلاهما در آمریکا که از مکان‌های مهم استخراج نفت است، روزانه مشاهده می‌شود. روی زمین، به دلیل تزریق آب از منابع روی زمین، سطح آب پایین می‌رود که منجر به کم‌آبی و کاهش رطوبت در سطح زمین می‌شود. این فعل‌وانفعالات پوسته زمین را در نقاط نفت‌خیز نرم - و به قول مشهدی‌ها «آبلمبو»- می‌کند. به عبارت دیگر، پوسته زمین در این منطقه به صورت پوست پرتقالی درمی‌آید که بخشی از آن پوسیده شده باشد. در این شرایط، پلیت‌های زلزله‌زا به حرکت درمی‌آیند. برخی از زلزله‌ها در ایران ناشی از حرکت پلیت عربستان سعودی است. نویسنده بر این ظن است که غربی‌ها از این امر آگاهند و به همین دلیل، نفت را از کشورهای دوردست وارد می‌کنند و اگر خود نفتی داشته باشند، از استخراج آن خودداری و درباره آن سکوت می‌کنند. موارد دیگر در زمینه عمران و آبادی ایران برای مطرح‌کردن و بحث زیاد است؛ اما باید اطمینان حاصل شود که مسئولان محترم برنامه‌ریزی عمران و توسعه در نظام دولتی به این موارد توجه کنند.

ادامه از صفحه ۱۰

نگاه‌ها به فراکسیون امید

کدام انتقاد؟

بررسی تشکیکی را که از سوی برخی اعضای فراکسیون امید، به‌خصوص برای برخی وزیران رأی‌دومی مطرح می‌شود، از دو زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد: نخست اینکه این نقطه‌نظرات درست است و محور دوم آنکه این سخنان درست نیست. اگر این نقطه‌نظرات درست باشد و وزیران مطرح‌شده شایستگی کافی را ندارند، سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا نمایندگان محترم مجلس دهم، در مدت نسبتا شایان‌توجهی که از عمر این مجلس می‌گذرد، نه این وزرا را استیضاح کرده‌اند، نه تلاش جدی کرده‌اند که آنان را به مجلس احضار کرده و مورد بازخواست قرار دهند و چه شده که ناگهان متوجه کارایی این یا آن وزیر دوردومی شده‌اند؟ آیا بنا بر برخی مصالح از این کار امتناع کرده‌اند که خود این موضوع قابل‌پذیرش نیست و اگر هم صلاحیت داشته‌اند و اقداماتشان مورد تأیید بوده، پس چرا به ناگاه و درست در روز موعود که این وزرا به رأی آنان نیازمند شده‌اند به این جمع‌بندی رسیده‌اند؟ به نظر می‌رسد اعضای این فراکسیون باید شفاف‌تر عمل کنند و اگر بناست در مسیر خواست ۲۴ میلیونی حرکت کنند به رئیس‌جمهور اعتماد کنند. لابد بر همین اساس هم بوده که یکی، دو روز قبل محمدرضا تابش در گفت‌وگو با ایرنا اعلام کرده که نظر فراکسیون امید به‌طورکلی درباره کابینه معرفی‌شده مثبت است، هرچند که سپس گفته: کابینه باید بتواند در مقابل چالش‌ها و ابرچالش‌هایی که فراروی کشور قرار گرفته موفق عمل کند، بنابراین نسبت به کابینه دولت دوازدهم باید اجماع صورت گیرد. وی درخصوص ارزیابی فراکسیون امید نسبت به صلاحیت وزرای پیشنهادی گفت: پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، در جهت کمک به دکتر روحانی ارزیابی خود را از عملکرد وزرای فعلی تهیه و ارائه کردیم و همچنین مؤلفه‌ها و عواملی که در انتخاب وزرای کابینه دولت دوازدهم تأثیرگذار بودند، در اختیار رئیس‌جمهوری قرار گرفت. عضو فراکسیون امید مجلس افزود: با معرفی وزرای جدید، تحولاتی نسبت به کابینه قبلی صورت گرفته و در هر صورت رئیس‌جمهوری در چینش کابینه ملاحظاتی دارد تا بتواند در مقابل چالش‌هایی که فراروی کشور قرار گرفته موفق باشد. تابش تصریح کرد: براین‌اساس نظر مقام معظم رهبری و نهادهایی مثل شورای‌عالی امنیت ملی، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و همچنین توجه به مطالبات و خواسته‌های مردم و توان وزرا برای تأمین مصالح ملی حائز اهمیت است. وی با بیان اینکه دیدگاه فراکسیون امید نسبت به کلیات کابینه پیشنهادی مثبت است، گفت: البته کارگروه‌هایی را مشخص کردیم که مرکب از اعضای فراکسیون امید در کمیسیون‌های تخصصی مجلس هستند تا جزئیات بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی را دنبال کنیم. تابش با بیان اینکه ۹ نفر از وزرای کابینه یازدهم تغییر کردند، گفت: عمده وزرایی که از منظر فراکسیون امید رد شده بودند، در کابینه پیشنهادی دولت دوازدهم حضور ندارند. عضو فراکسیون امید مجلس در بخش دیگری از اظهاراتش در رابطه با شاخص‌های اصلی این فراکسیون برای رأی‌اعتماد به وزرای پیشنهادی گفت: تحصیلات و تخصص وزرا، سوابق و تجربیات و صلاحیت فردی از جمله ریسک‌پذیری، شجاعت، کارآمدی و توان عمل به وعده‌های رئیس‌جمهور از شاخص‌هایی است که اعضای فراکسیون در رأی‌اعتماد به وزرا مدنظر قرار خواهند داد. تابش پیرشدن کابینه را ناشی از نبودن نظام حزبی دانست و عنوان کرد: در چینش کابینه به مطالبات اقوام، زنان و جوانان باید بیشتر توجه می‌شد، بنابراین امیدوارم در بدنه ملی و محلی این مسئله جبران شود. وی با اشاره به اینکه وزرای انتخابی باید پیگیر مطالبات و خواسته‌های مردم باشند، گفت: نقش هر وزیر در کابینه در انسجام کلی دولت و تأثیر نگاه ملی، ارزیابی می‌شود. تابش با بیان اینکه رأی اعتماد و عدم اعتماد به هر وزیر براساس شاخص‌های فراکسیون، برای حمایت از دولت است، افزود: در ۳۴ سال بعد از انقلاب ۲۷ سال افزایش سن در کابینه داشته‌ایم که حاکی از ضعف گردش نخبگان است. وی افزود: در رایزنی با رئیس‌جمهوری و معاون‌اول وارد مصادیق نشده‌ایم؛ بلکه فرم ارزیابی عملکرد وزرا را ارائه کردیم و رئیس‌جمهوری از جناح اصلاح‌طلب، اصولگرا و اعتدالیون افراد را برای کابینه انتخاب کردند؛ بنابراین برای اینکه کابینه موفق باشد، باید روی افراد اجماع وجود داشته باشد؛ اگرچه آن‌طور که تابش هم گفته، باید روی کاندیداهای وزارتی اجماع وجود داشته باشد؛ اما این نکته را نباید از نظر پنهان داشت که انتقادات نباید بهانه‌ای شوند برای رأی‌ندادن به برخی از وزرای پیشنهادی.

معدلی بالاتر از میانگین

صادق زیباکلام اخیرا نوشته: «واقعیت آن است که کارنامه وزرایی که دوباره به مجلس معرفی شده‌اند، اگر از متوسط کابینه اول دکتر روحانی بالاتر نبوده باشد، یقینا پایین‌تر هم نیست؛ بنابراین رأی‌ندادن به آنها به اعتبار کارایی و درست‌تر گفته باشیم نداشتن یا پایین‌بودن آن، بهانه‌ای بیش نیست؛ چراکه هیچ‌کدام از وزرای پیشنهادی که قبلا در کابینه حضور داشته‌اند، در چهار سال گذشته به‌عنوان وزرایی که از نظر اجرائی و توان مدیریتی «مسئله‌دار» بوده باشند، مطرح نبوده‌اند». هفته‌ای که رو به پایان می‌رود، هفته‌ای است که نمایندگان نقش تعیین‌کننده‌ای درآن دارند و دراین‌میان فراکسیون امید که به‌نوعی نتیجه حرکت دولت اول حسن روحانی است، نقش پررنگ‌تری دارد؛ اگرچه نباید از حق انتقاد نمایندگان از کابینه پیشنهادی چشم‌پوشی کرد اما این موضوع را هم نباید کتمان کرد که امید دولت دوازدهم در مجلس بر همین فراکسیون و همراهی اعضای آن برای اخذ رأی اعتماد وزرای پیشنهادی است. جلسه رأی اعتماد دولت دوازدهم آزمون نمایندگان فراکسیون‌امیدی مجلس است. از فراکسیون اصولگرایان و حتی مستقلین امیدِ آن نمی‌رود که با دولت همراهی کنند؛ اما حداقل انتظار از فراکسیون امید است. اگرچه امید می‌رود که در دقیقه ۹۰ بتوانند با مدیریت عارف فراکسیونی عمل کنند و حداقل حمایت را از دولت ۲۴میلیونی انجام دهند و امید دولت را ناامید نکنند؛ اینکه نمایندگان این دوره باید تفاوت‌هایی با رفتار مجلس نهم با کابینه اول روحانی و فشارهای آن مقطع داشته باشند؛ به‌هرحال میانگین وزرای معرفی‌شده، پذیرفتنی بوده و وزرای جدید هم دارای سوابق مقبولی هستند. نقل است در ماجرای بر دار شدن حلاج هرکس سنگی می‌انداخت؛ شبلی هم گلی انداخت، حسین منصور آهی کشید. گفتند: از این همه سنگ هیچ آه نکردی؛ از گلی آه‌کردن چه معنی است؟ گفت: از آنکه آنها نمی‌دانند، معذورند؛ از او سختی‌ام می‌آید که او می‌داند که نمی‌باید انداخت.